

تاثیر سرمایه فکری بر عملکرد مالی بانک ها و شرکت ها

حمیدرضا رضوانی^۱، الهام قراگوزلو^۲، فاطمه امیدی نوبیجاری^۲، فرزانه بازیار^۲

^۱ استاد گروه مدیریت، عضو هیئت علمی موسسه مهر البرز، ایران، تهران.

^۲ دانشجوی مدیریت مالی دانشگاه مهر البرز، ایران، تهران.

نام نویسنده مسئول:

الهام قراگوزلو

چکیده

بانکها و موسسات مالی و اعتباری نقش بسیار مهمی در پیشرفت و توسعه اقتصادی هر کشور ایفا مینمایند. در حال حاضر با توجه به تعداد قابل توجه بانکها و موسسات مالی و اعتباری در کشور، همچنین با توجه به روند خصوصیسازی بانکهای دولتی و نیز تبدیل تعاونیهای اعتبار و موسسات مالی اعتباری به بانک، ارزیابی عملکرد آنها اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. برای سنجش سرمایه فکری طبقه بندی های مختلفی ارایه شده است که یکی از این طبقه بندی ها توسط پالیک به نام (ارزش افزوده سرمایه فکری) مطرح شده که از سه جزء ارزش افزوده سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی و سرمایه ساختاری می باشد.

واژگان کلیدی: ارزش افزوده سرمایه فکری، سرمایه انسانی، بازده دارایی ها، شاخص سود عملیاتی، نسبت رشد سپرده ها، کفایت سرمایه و موسسه مالی.

مقدمه

تا قبل از قرن ۲۱، اقتصاد جهان، تولیدی و صنعتی بود و عوامل فیزیکی از قبیل زمین، نیروی کار، پول و غیره، ارزش آفرین بودند. اما در قرن ۲۱، در کنار عوامل فیزیکی، دانش کانون توجهات شده و اهمیت برجسته ای در بنگاه ها و صنایع پیدا کرده و جایگاه دانش و سرمایه فکری روز به روز بیشتر شده است (چو، لین، سایونگ و لیو، ۲۰۰۶).

سرمایه فکری به دارایی های نامشهود اطلاق می شود (استورات، ۱۹۹۱). گالبرایت (۱۹۶۹)، سرمایه فکری را یک فرآیند ارزش آفرین و نوعی از دارایی ها معرفی کرده است. در اقتصاد قدیم تاکید بر دارایی فیزیکی بوده ولی در اقتصاد جدید سرمایه فکری شرکت و دانش اهمیت برجسته ای یافته و باعث ظهور اقتصاد دانشی و افول دوران اهمیت نسبی دارایی های مشهود شده است و پارادایم جدیدی که توجه زیادی به دانش و سرمایه فکری در آن دیده می شود پدید آمده است (ژو و ژو، ۲۰۰۴). پالیک (۲۰۰۴) نشان می دهد که در سال ۱۹۲۹ حدود ۷۰ درصد سرمایه گذاری های شرکت های آمریکایی اختصاص به دارایی مشهود داشته و تنها ۳۰ درصد از مجموع سرمایه گذاری ها بر روی دارایی نامشهود بوده است. توجه به سرمایه فکری در دهه های اخیر، موجب شده است که تحقیقات زیادی در این زمینه انجام شود.

نرخ تامین منابع در اختیار یک شرکت نیز که از آن تحت عنوان هزینه سرمایه یاد می شود در واقع میانگین وزنی نرخ منابع موجود در شرکت (سمت چپ ترازنامه شامل بدهیها و حقوق صاحبان سهام) است که در دارایی ها (در سمت راست ترازنامه شامل دارایی های مشهود و فکری) سرمایه گذاری گردیده است. آقای دراگر معتقد است چیزی را که معمولاً سود می نامیم پولی است که برای کیفیت خدمات باقی می ماند و این در واقع سود نیست و تا زمانیکه شرکت، بازدهی بیشتر از هزینه سرمایه ایجاد نکند، زیان ده است.

مفهوم هزینه سرمایه نه تنها معیار سرمایه گذاری است، بلکه در ارزیابی عملکرد مالی مدیریت نیز استفاده می شود. آشنایی با عوامل موثر بر هزینه سرمایه میتواند مدیریت را در افزایش ارزش سهام شرکت یاری رساند. از این رو بررسی عوامل تاثیرگذار بر هزینه سرمایه بسیار مهم است.

ازسوی دیگر با توجه به توسعه اقتصاد مبتنی بر دانش، منابع قدیمی مزیت رقابتی به دارایی های ملموسی که باعث ایجاد ارزش شرکت و حفظ مزیت رقابتی می شوند، به تدریج رو به کاهش اند. در اقتصاد کنونی، منابع سرمایه فکری IC نظیر سرمایه انسانی و روابط با مشتریان از مهم ترین شاخصه های موفقیت در کسب و کار و مهمترین عامل حفظ مزیت رقابتی و ارزش آفرینی برای شرکتهای قلمداد می شود.

در طول دهه ۱۹۸۰، مفروضات و عقاید نئوکلاسیک ها از سوی نگرش مبتنی در منابع به چالش کشیده شد. بنا بر اظهارات "پن روس" مزیت رقابتی تنها با ترکیبات مختلفی از محصولات و بازارها در یک صنعت معین به دست نمی آید، بلکه عمدتاً از تفاوت در انواع مختلف منابع سازمانی نشات می گیرد. از آنجایی که منابع همیشه قابل انتقال، قابل تقلید و یا جایگزینی نمی باشد، ضروری است تا برای شناسایی منابع واقعی و پایدار به جای توجه به بیرون توجه جدی به درون شرکت ها به عمل آورد. سازمان ها در حال وارد شدن به اقتصاد مبتنی بر دانش هستند. اقتصادی که در آن دانش و دارایی های نامشهود به عنوان مهم ترین مزیت رقابتی سازمان ها شناخته شده است. امروزه نحوه ی استفاده از دارایی های نامشهود تاثیر بسیار مهمی در موفقیت و بقای سازمان ها دارد به طوری که این موضوع باعث به وجود آمدن حوزه مطالعاتی و تحقیقاتی جدیدی در مدیریت شده است. در یک طبقه بندی ساده دارایی های نامشهود به دو دسته تقسیم می شود که یکی از مهم ترین اجزای آن سرمایه فکری است که تاثیر مهمی بر روی عملکرد و پیاده سازی استراتژی های سازمانی دارد. از این رو شناسایی و اندازه گیری و مدیریت این سرمایه فکری دارای اهمیت خاص است (گلدی صدقی ۱۳۸۶).

در گذشته، هدف واحدهای تجاری، حداکثر نمودن سود بود ولی با توجه به این که سود مفهومی کوتاه مدت است و ارزش زمانی پول را نیز در نظر نمی گیرد، امروزه هدف واحدهای تجاری افزایش نرخ بازده سرمایه گذاریها نسبت به هزینه سرمایه است که در بلند مدت افزایش ثروت سهامداران را نیز در پی دارد. چرا که شرکتهای ممکن است از طریق افزایش سرمایه یا استقراض با نرخهای بالا در طرحها و فعالیتهایی سرمایه گذاری کنند که سود شرکت را افزایش دهد ولی چون نرخ تأمین مالی بیشتر از هزینه سرمایه بوده است عملاً کاهش ارزش شرکت را رغم زده اند. اینگونه تصمیمات سرمایه گذاری موجبات انتقاد صاحبان سهام را نیز در پی داشته و دارد، زیرا مدیران با تصدی کوتاه مدت به فکر افزایش سودآوری شرکت و افزایش سهم پاداش خود در دوره تصدی گری خویش می باشند این درحالی است که ممکن است تصمیمات آنها درخصوص تأمین مالی با نرخی بیشتر از نرخ هزینه سرمایه، کاهش ارزش شرکت را به دنبال داشته باشد.

از سوی دیگر اغلب سرمایه های حسابداری فعلی از نقش و اهمیت فزاینده حق مالکیت معنوی و دانش بر سازمان های عصر نوین غافل بوده و از توان سنجش واقعی دارایی ها در محاسباتشان قاصرند. در حقیقت صورت های مالی در تشریح ارزش واقعی شرکت ها از

محدودیت های بسیاری برخوردار هستند. در جوامع دانش محور کنونی بازده سرمایه فکری به کار گرفته شده بسیار بیشتر از بازده سرمایه های مالی به کار شده اهمیت یافته است.

این به این معناست که در مقایسه با سرمایه های فکری، نقش و اهمیت سرمایه های مالی در تعیین قابلیت سودآوری پایدار، کاهش چشمگیر یافته است. بنابراین سرمایه فکری مظهر راهبر های ارزش غیرمحسوس شرکت ها است و نقش فزاینده ای در عملکرد مشترک عوامل تولید (عامل چهارم) ایفا می نماید (چان، ۲۰۰۹).

هدف اولیه و اساسی بانک همانند سایر سازمان های انتفاعی، حداکثر کردن ثروت صاحبان آن می باشد. در افزایش ثروت صاحبان سهام مدیریت بانک باید تصمیم بگیرد که آیا دارایی ها با کیفیت پایین تر و درآمد بیشتر و یا دارایی ها با کیفیت بالاتر و ریسک کمتر را کسب کند و یا آیا بانک باید سرمایه گذاری کند و تسهیلات با سررسید های طولانی اعطا نموده و نقدینگیش را کاهش دهد و یا دارایی هایی با سررسید های کوتاه مدت تر را انتخاب و درجه ی بالایی از نقدینگی را تعیین نماید؟ این ها سوالاتی هستند که مدیران بانک ها همیشه با آنها درگیر هستند (کریمی، ۱۳۸۵).

توجه به سرمایه فکری در دهه های اخیر موجب شد که تحقیقات زیادی در این زمینه انجام شود و رابطه سرمایه فکری با فرآیند ارزیابی عملکرد در چهار رویکرد کلی:

۱- رویکرد حسابداری (استفاده از اطلاعات حسابداری مانند فروش، سود، سود تقسیمی، سود هر سهم، جریان های نقدی، بازده دارایی های شرکت، بازده حقوق صاحبان سهام و ...) ۲- رویکرد تلفیقی (که محصول ترکیبی اطلاعات حسابداری و اطلاعات بازار است مانند نسخه های مختلف Q توبین، نسبت P/E، نسبت ارزش بازار دارایی ها به ارزش دفتری آنها و...) ۳- رویکرد مدیریت مالی (استفاده از اطلاعات مدیریت مالی مانند بازده هر سهم و بازده اضافی هر سهم و ...) ۴- رویکرد اقتصادی (استفاده از مفاهیم اقتصادی مانند نرخ بازده، نرخ هزینه سرمایه، ارزش افزوده اقتصادی و ...) مورد پژوهش و بررسی قرار گیرد.

امروزه اندازه گیری هزینه منابع معین سرمایه در دسترس شرکت که از آن به عنوان هزینه سرمایه یاد میشود و تلاش روزافزون در راستای کاهش آن امری مهم و ضروری است. از سوی دیگر، فهم رابطه بین سرمایه فکری با هزینه سرمایه به شرکت ها و بانک ها کمک می کند که با سرمایه گذاری بیش از پیش بر نیروی انسانی هزینه سرمایه سازمان خود را کاهش و سودآوری را به دنبال داشته باشند در حقیقت مساله اصلی این پژوهش بررسی نقش و اهمیت سرمایه فکری در ایجاد ارزش برای شرکت ها است. این پژوهش تلاشی برای تعیین میزان مشارکت سرمایه فکری در ایجاد ارزش افزوده اقتصادی و ارزش رشد آتی شرکت به شمار می آید

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اندیشه های بشر در حوزه های مختلف با طرح اصول موضوعه عمدتاً منبعث از مشاهدات، استدلال و استنتاج بر مبنای منطق ریاضی، و در نهایت با بکارگیری محک تجربه در نتیجه گیری ها و و پیش بینی ها پیشرفت کرده است و به مرور زمان که مشاهدات بیشتر و دقیق تر شده، پوششها و مفاهیم نو مطرح شده و یافته های نو بدست آمده است. به تدریج که تاریخ زندگی بشر پر برگ تر و اندیشه هایش پر بارتر می شود، دست آوردهای بیشتری نصیب انسانها، سازمانها و کشورها می شود، و هر چه عقل بشری بیشتر به کار می آید جان انسان آسایش بیشتری می یابد. بنابراین استفاده از تحقیقات گذشته، بررسی آنها بسیار موثر است

قرن بیست و یکم به وسیله توسعه اهمیت دانش و تاثیر آن بر تمامی جنبه های سازمانی توصیف می شود. امروزه دانش منبع کلیدی اقتصاد و مزیت رقابتی شده است. هم زمان با توسعه ارزش بازار سازمان های دانش محور در دهه ۱۹۹۰ علاقه مندی وسیعی نسبت به مقوله سرمایه فکری پدید آمد. اولین بار رتبه های مفهوم سرمایه فکری در سال ۱۹۶۹ توسط اقتصاد دانی به نام "جان کنت گالبرت" بیان گردید. دانش به عنوان یک دارایی در مقایسه با سایر انواع دارایی ها، دارای این طبیعت منحصر به فرد است که هر چه بیشتر استفاده شود به ارزش آن افزوده می شود. اجرای یک استراتژی موثر مدیریت دانش و تبدیل شدن به یک سازمان دانش محور، به عنوان یک شرط الزامی برای موفقیت سازمان ها است.

تعاریف مختلفی از سرمایه فکری در منابع مختلف ارائه شده است آنچه که تمامی نویسندگان در مورد آن اتفاق نظر دارند این است که سرمایه فکری صورتی از دانش است که مزیت رقابتی ایجاد می کند و ارزش ناملموس یک سازمان را نمایش می دهد. اما هنوز بر سر یک تعریف خاص توافق ندارند ولی به هر حال ترکیب روشنی بین وجه نظری و کاربرد عملی سرمایه فکری وجود ندارد.

اغلب صاحب نظران سرمایه فکری را به سه دسته سرمایه مشتری، سرمایه انسانی و سرمایه ساختاری تقسیم می کنند. اگر مفاهیمی را که توسط محققان مختلف مورد استفاده قرار گرفته مورد بررسی قرار گیرد، گروهی از مفاهیم مشابه از میان واژه ها و ساختارها از قبیل نامشهود ها، دانش و ایجاد ارزش هویدا می شود. از این رو در راستای تصور اولیه، سرمایه فکری ممکن است به عنوان مجموعه تمام دانش

تعریف شود. استوارت و سالیوان که به وسیله کارکنان و شرکت در اختیار قرار گرفته شده است و یک مزیت رقابتی را ایجاد می کند و یا به تعبیری سرمایه فکری عبارت است از مواد فکری از قبیل دانش، اطلاعات، اموال و تجربه فکری بنتیس که شرکت ها به وسیله آنها می توانند مزیتی در جهت ایجاد ثروت داشته باشند.

از این گذشته می توان با سرمایه فکری به عنوان ترکیبی از دارایی های نامشهود یا دارایی های بی اهمیت برکینگ که در ترازنامه افشا نمی شوند رو به رو شد و اگر این سرمایه فکری خوب مدیریت شود قادر است برای شرکت ها مزیت رقابتی و در نتیجه ایجاد ارزش به وجود آورد. در سال ۱۹۹۷ ادوینسون و مالیو الن سرمایه فکری را به دانشی که میتوان به ارزشی تبدیل شود تعریف نموده اند. بروکینگ در سال ۱۹۹۶ سرمایه فکری ترکیبی از چهار بخش عمده دارایی های بازار، دارایی های انسان محور، دارایی های فکری، دارایی های زیرساختی تعریف کرده است. بنتیس در سال ۲۰۰۰ سرمایه فکری را به صورت مفهومی که تمامی منابع نامحسوس و ارتباطات داخلی آنها را طبقه بندی می کند تعریف نموده است بنابراین مدیران نیاز دارند که بتوانند اثر تلاشهای مدیریت دانش را بر عملکرد سازمان خود اندازه گیری کنند. به صورت تاریخی در علم حسابداری، دارایی ناملموس در سرفصلی تحت عنوان "سرفصلی" جای می گرفت و سرمایه فکری بخشی از این سرفصل به شمار می آمد لیکن روشی برای شناسایی و اندازه گیری این موارد ناملموس در سازمان ها فراهم نمی آورد. در پاسخ، مدل های اندازه گیری جدید در سطح سازمان ها، سعی در ترکیب نمودن جنبه های ارزش افزای مالی و غیر مالی سازمان برای گزارش دهی می نمایند. در کشورهای در حال توسعه بر خلاف کشورهای پیشرفته، ارزش گذاری بازارهای محلی با افزایش سرمایه فیزیکی بیش از سرمایه فکری رشد کرده است و کمتر

IC به عنوان یک راهبرد عملکرد وابسته هستند. یکی از دلایل آن این مسئله است که این گروه هنوز به خرید و فروش و پردازش منابع طبیعی به عنوان یک راهبر اساسی رشد وابسته هستند (هانگ ۲۰۰۹).

نظریه های مربوط به سرمایه فکری

"دراکر" ۱۹۹۳ اندیشمند معروف مدیریت می گوید: ما در حال وارد شدن به یک جامعه دانشی هستیم که در آن منابع اقتصادی اصلی، دیگر سرمایه بیشتر، منابع طبیعی و نیروی کار بیشتر و ... نیست. منابع اقتصادی اصلی دانش خواهد بود قرن ۲۱، قرن اقتصادی دانشی است. قبل از اقتصاد دانشی، اقتصاد صنعتی حاکم بوده که در این اقتصاد عوامل تولید ثروت اقتصادی، یکسری دارایی های فیزیکی و مشهود مانند زمین، نیروی کار، پول و ماشین آلات و ... بوده و از ترکیب این عوامل اقتصادی، ثروت تولید می شود. در این اقتصاد، استفاده از دانش به عنوان عامل تولید، نقش کمی داشته است اما در اقتصاد دانشی، دانش یا سرمایه فکری به عنوان یک عامل تولید ثروت در مقایسه با سایر دارایی های مشهود فیزیکی، ارجحیت بیشتری پیدا میکند. در این اقتصاد، دارایی های فکری به خصوص سرمایه های انسانی جزو مهم ترین دارایی های سازمان محسوب می شود و موفقیت بالقوه سازمان ها ریشه در قابلیت های فکری آنها دارد تا دارایی های مشهود (گلدی صدقی، ۱۳۸۶) با رشد اقتصادی دانشی یا اقتصاد مبتنی بر دانش به طور قابل ملاحظه ای شاهد این موضوع هستیم که دارایی های نامشهود شرکت ها عامل مهمی در حفظ و پژوهش مزیت رقابتی پایدار آنها می شوند. در مقایسه با سایر دارایی های مشهود (کینگ هانگ، ۲۰۰۹).

محیط کسب و کار به طور شگفت انگیزی تغییر میکند. در کسب و کارها و اقتصاد قرن ۲۱ بر روی اطلاعات، فناوری اطلاعات، تجارت الکترونیک، نرم افزارها، مارکها، حق الاختراع، تحقیقات و نوآوریها و ... سرمایه گذاری می شود که همگی جزئی از دارایی های نامشهود و سرمایه فکری و دانش هستند تا جزو دارایی های مشهود (سالیوان، ۲۰۰۰) در پارادایم صنعتی قدیم شرکت ها تحت اصول اقتصاد کمیابی عمل میکردند.

اقتصاد کمیابی بدین معناست که منابع و دارایی ها تحت سلطه و کنترل شرکت ها محدود و کمیاب هستند و استفاده بیشتر از آنها، از ارزش آنها میکاهد ولی در عصر اقتصاد اطلاعاتی و دانش، این اصول صدق نمیکند. شرکت ها در اقتصاد دانش تحت اصول اقتصاد فراوانی عمل میکنند.

اقتصاد فراوانی بدین معناست که منابع و دارایی های در اختیار شرکت به میزان فراوان وجود دارد. این نوع دارایی ها از نوع نامشهود هستند و بیشتر در افراد قرار دارند که ما به آنها دستیابی داریم. مثالی از فراوانی این نوع دارایی ها در اقتصاد دانش، فراوانی اطلاعات در اینترنت است (همان منبع)، به طور خلاصه در اقتصاد دانش مهمترین دارایی ها و عوامل تولید، نامشهود هستند که استفاده از آنها از ارزش آنها کم نمیکند و حتی به ارزش آنها می افزاید.

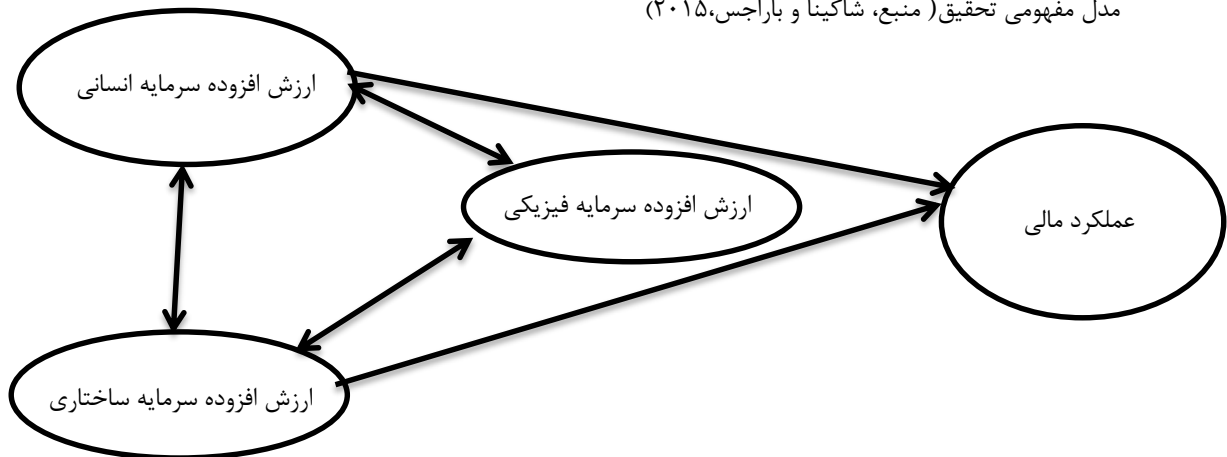
این نوع دارایی های نامشهود شامل دانش ، سرمایه فکری و ... هستند ولی اقتصاد صنعتی مهمترین عوامل تولید ، دارایی های مشهود و فیزیکی هستند که استفاده از آنها از ارزش آنها می کاهد و این دارایی ها شامل زمین ، ماشین آلات ، سرمایه پولی و
 "کندریک" ۱۹۹۰ ، که یکی از مشهور ترین اقتصاد دانان مطرح آمریکاست میگوید در سال ۱۹۲۵ ، نسبت سرمایه های تجاری نامشهود به سرمایه های تجاری مشهود ۳۰ به ۷۰ بوده است وای این نسبت در سال ۱۹۹۰ به میزان ۶۳ به ۳۷ رسیده است .
 همچنین " لئو" مطرح می سازد که فقط در حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد کل ارزش بازاری شرکت ها را تشکیل می دهند که هنوز هیچ کاری در مورد اندازه گیری آنها صورت نگرفته است (گلدی صدفی ، ۱۳۸۶).
 همچنین یکسری مطالعات انجام شده در سال ۱۹۹۹ در زمینه ترکیب دارایی های هزاران شرکت غیر مالی در طی سال های ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۸ نشان داد که رابطه بین دارایی های نامشهود و مشهود ۲۰ به ۸۰ بوده و در سال ۱۹۹۸ ، این نسبت تقریباً به ۸۰ به ۲۰ رسیده است .

این تغییرات قابل ملاحظه باعث ایجاد یکسری روش ها برای محاسبه ثروت شرکت هایی شده است که مهمترین دارایی های آنها ، دارایی های نامشهود به ویژه فکری و دانش بوده است
 در طی دهه گذشته کسب و کارها ، اهمیت مدیریت دارایی های نامشهود خود را درک کرده اند و توسعه مارک ها ، روابط سهام داران ، شهرت و فرهنگ سازمان ها را به عنوان مهمترین منابع مزیت پایدار تجاری خود در نظر گرفته اند.
 در این اقتصاد توانایی خلق و استفاده از ارزش این دارایی های نامشهود یک شایستگی اصلی را برای سازمان ها به وجود می آورد.
 امروز سازمان ها نیاز دارند تا بتوانند دارایی های خود را از نو و دوباره طبقه بندی کنند و باید این موضوع را درک کنند که چگونه این دارایی ها می توانند اهداف استراتژیک آنها را حمایت کنند و سهم آنها را از ارزش سازمان به صورت کمی درآورند و بتوانند این دارایی های خود را با دارایی های رقبای خود مقایسه کنند.
 برای این منظور بایستی ابتدا طبقه بندی جدیدی از دارایی های سازمانی را در این عصر ارائه کنیم.
 بی شک این دارایی های نامشهود دارایی ارزش هستند چون وقتی شرکت ها (کسب و کارها) فروخته می شوند و بخشی از ارزش آنها به صورت سر قفلی نام گذاری و برچسب میخورد.
 بر طبق تفکر " هوریب " سرقفلی ، تفاوت بین ارزش واقعی (بازاری) شرکت و ارزش دفتری آن است.(بونتیس ، ۲۰۰۰)
 شرکت ها نه تنها انتظار دارند تا دارایی های نامشهود خود را شناسایی ، اندازه گیری و مدیریت کنند بلکه باید همواره سعی کنند تا این دارایی های نامشهود را به طور مستمر ارتقاء و بهبود بخشند.
 سازمان هایی که نتوانند دارایی های دانشی خود را به طور مستمر ارتقاء دهند بقاء خود را با خطر از دست دادن و فناى خود ، مبادله خواهند کرد.

مدل مفهومی

با توجه به اینکه در این پژوهش میزان مشارکت اجزای سرمایه فکری در بهبود عملکرد مالی موسسه آرمان مورد بررسی قرار میگیرد، لذا بر مبنای مدل زیر می توانیم اثر هر یک از متغیر های مستقل را بر متغیر وابسته پژوهش ارزیابی نماییم .

مدل مفهومی تحقیق (منبع، شاکینا و باراجس، ۲۰۱۵)



روش تحقیق

بررسی و تحلیل نقادانه شیوه های خاص تطبیق عام تئوری در هر یک از فنون ویژه علمی، وظیفه شاخه ای از علم فلسفه است که روش شناسی خوانده می شود. وجود روش خاص برای هر فن و حتی بودن روش های مختلف در ادوار مختلف تاریخ یک فن، در این تلقی از روش شناسی می گنجد. مباحث روش شناسی بیشتر محصول این است که معلوم نیست پژوهشگر چه می کند تا اینکه چه باید بکند. سروش، ۱۳۹۲.

از دیدگاهی روش شناسی، مطالعه منظم، منطقی و اصولی است که جستجوی علمی را رهبری می نماید. از این دیدگاه روش شناسی به عنوان شاخه ای از منطق و یا حتی فلسفه است. دیدگاهی دیگر، روش شناسی را شاخه ای از علم می داند. در مقابل تالکوت پارسونز معتقد است "روش شناسی در اصل با پژوهش های تجربی نظیر آمار، مورد کاوی، مصاحبه و رپه سروکار ندارد. بلکه به زمینه های کلی برای اعتبار کار علمی است، پس روش شناسی نه دقیقاً یک رشته فلسفی و نه دقیقاً علمی است." اگر از دیدگاههای مختلف بگذریم، روش شناسی فارغ از ابعاد فلسفی آن به مجموعه ای به هم پیوسته از قواعد و شیوه های معمول در یک رشته از دانش اطلاق می شود و به طور کلی می توان گفت: اتخاذ روش علمی تنها را دستیابی به دستاورد های قابل قبول و علمی است.

بعضی روش شناسی را مبحثی نظری می دانند که با تعقل، منطق و فلسفه پیوسته است و بعضی دیگر روش شناسی را فلسفه جدا دانسته اند و آن را رشته ای علمی می دانند..

جامعه و نمونه آماری

مفهوم جامعه آماری یکی از مفاهیم اساسی است که آن را تعریف نمی کنند بلکه به عنوان مفهوم اولیه توصیف کرده و به صورت زیر بیان می شود:

مجموعه اشیاء یا نمودهایی که یک یا چند صفت مشترک داشته باشند و یکجا در نظر گرفته شوند، جامعه آماری گفته می شود (منصوفر، ۱۳۸۵)

شرط لازم برای انجام هر تحقیقی وجود اطلاعات در دسترس می باشد که در وضعیت کنونی گزارشگری و افشاء اطلاعات در ایران تنها اطلاعات مربوط به شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موجود می باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شعبات موسسه مالی و اعتباری ارمان در سطح کشور می باشد. روش نمونه گیری روش حذف سیستماتیک بوده است. بدین ترتیب که کلیه شعباتی عضو جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده جزء نمونه آماری لحاظ شده و آن دسته از شرکتهایی که این شرایط را نداشته اند از نمونه آماری، حذف گردیده اند. نحوه نمونه گیری از جامعه آماری پژوهش به شرح زیر می باشد:

۱. از ابتدای دوره زمانی پژوهش تا انتهای دوره زمانی پژوهش فعالیت شان بنا به هر دلیلی توقف نشده باشد،
۲. جزوه شعبات درجه ۱ و ۲ باشند. شعبات درجه ۳ به علت زیان ده بودن عملیات و حجم پایین سپرده ها و مشتریان از نمونه ما حذف می شوند.

نمونه عبارت است از تعداد محدودی از اعضا جامعه آماری که بیانگر ویژگی های اصلی جامعه باشد (آذرو مومنی، ۱۳۹۲). مزیت انتخاب نمونه از یک جامعه، جلوگیری از اتلاف وقت یک محقق و صرفه جویی در منابع مالی است، زیرا از طریق مطالعه یک نمونه به نسبت کوچک و با اجرای نمونه گیری صحیح و پذیرش مقدار ناچیزی خطا، پژوهشگر به نتایج درستی خواهد رسید (دلور، ۱۳۸۵). درصد برنامه ریزی هر مطالعه یا تحقیقی این سوال مطرح است که اندازه نمونه چقدر باشد. انتخاب نمونه بزرگتر از حد نیاز برای حصول نتایج مورد نظر سبب اتلاف منابع می شود. در حالیکه انتخاب نمونه های خیلی کوچک اغلب پژوهشگر را به نتایجی سوق می دهد که فاقد استفاده علمی است.

ابزار و جمع آوری اطلاعات

جمع آوری داده ها به دو شیوه به شرح زیر صورت می گیرد:
الف) مطالعات کتابخانه ای که مربوط به تاریخچه پژوهش و چارچوب نظری است.
ب) اطلاعات مورد نیاز موسسه مالی و اعتباری ارمان نیز از صورت های مالی شعبات این موسسه استخراج می شود.
پس از جمع آوری اطلاعات صورتهای مالی از یکی از موسسات مالی و اعتباری و یکی از شرکتهای، داده ها از طریق صفحات گسترده اکسل EXCEL، طبقه بندی و محاسبه و در نهایت با استفاده از بسته نرم افزار آمار SPSS 20 مورد پردازش قرار خواهد گرفت.

نتیجه گیری

بانکها نهادهای مالی هستند که دارایی ها را از منابع گوناگون جمع آوری می کنند و آنها را در اختیار بخش هایی قرار می دهند که به نقدینگی نیاز دارند. از این رو بانکها شریان حیاتی هر کشور محسوب می شوند. به موازات ورود بانکهای خصوصی به بازارهای مالی، تقاضا برای انوا خدمات بانکی نیز افزایش چشمگیر یافته است. بانکها برای ربودن گوی سبقت از یکدیگر در جهت افزایش سهم بازار و سودآوری به دنبال استفاده از انوا روشهای بهبود عملکرد در جذب مشتریان هستند، در این میان ارزیابی عملکرد بانکها از اهمیت خاصی برخوردار است و به یکی از مهمترین فعالیتهای مدیران بانکها تبدیل شده است. بانکهای تجاری موسسات مالی هستند که وجوه راكد مردم را جمع آوری کرده و به تجار، صاحبان صنایع و سایر متقاضیان تسهیلات اعطاء می کنند. در واقع، بانک با عملیات خود موجبات انتقال منابع را از اشخاصی که به علل مختلف مانند: فقدان دانش و تخصص، کمبود سرمایه و ترس از ریسک سرمایه گذاری، نمی خواهند یا نمی توانند در فعالیتهای اقتصادی مشارکت نمایند به اشخاصی که برای سرمایه گذاری به منابع مالی محتاج اند، فراهم می سازد و از آنجایی که هدف بانک تجاری کسب سود است،

طبیعی است بانک بایستی منابع را هرچه ارزان قیمت تر جذب کرده و با حداکثر نرخ سود به متقاضیان تسهیلات دهد. از این رو، هدف اولیه و اساسی بانک همانند سایر سازمان های انتفاعی، حداکثر کردن ثروت صاحبان آن می باشد. در افزایش ثروت صاحبان سهام مدیریت بانک باید تصمیم بگیرد که آیا دارایی ها با کیفیت پایین تر و درآمد بیشتر و یا داراییها با کیفیت بالاتر و ریسک کمتر را کسب کند و یا آیا بانک باید سرمایه گذاری کند و تسهیلات با سررسیدهای طولانی اعطاء نموده و نقدینگی اش را کاهش دهد و یا دارایی هایی با سررسیدهای کوتاه مدت تر را انتخاب و درجه بالایی از نقدینگی را تامین نماید؟ این ها سوالاتی هستند که مدیران بانک ها همیشه با آنها درگیر هستند (کریمی، 1395).

از جمله مسائل مهم در صنعت بانکداری، احتمال ورشکستگی و ناتوانی بانکها در انجام تعهدات مالی ایجاد شده است که با شدت گرفتن روند خصوصی سازی و دور شدن نظام بانکی از فیای امن مالکیت دولتی، بانکها را با چالشی بزر در زمینه ادامه فعالیتهای خود مواجه ساخته است. در این راستا، اولین و مهمترین عاملی که می تواند بانکها را در مقابل خطرهای ناشی از ورشکستگی و ناتوانی مصون سازد، وجود عامل نسبت کفایت سرمایه به داراییهای بانک است. نسبت کفایت سرمایه حاصل تقسیم سرمایه پایه شامل سرمایه اصلی (سرمایه ثبت شده، سود انباشته، اندوخته قانونی، سهام و سایر اندوخته ها) و سرمایه تکمیلی بر مجم داراییهای موزون شده به ضرایب ریسک بر حسب درصد است. نسبت کفایت سرمایه یک شاخص کلیدی در تحلیل وضعیت بانک به شمار می رود که با توجه به آن می توان متوجه شد که داراییهای بانک تا چه حد در سبد مناسبی سرمایه گذاری شده و از لحاظ ریسک و به کارگیری سرمایه در داراییهای مختلف از وضعیت مناسبی برخوردار است. هم اکنون، اعمال مدیریت بر روی شاخص مهم نسبت کفایت سرمایه از سوی بانکها جدای از اهمیت ابعاد مقرراتی و احتیاطی، به یکی از شاخصهای مهم برای ارزیابی وضعیت مالی بانکها در سطح ملی تبدیل شده و در تنظیم مرادوات بین المللی متثر است.

از طرف دیگر، برآورده ساختن سود مورد انتظار سهامداران و حفظ قیمت سهام بانکها در بازارهای رقابتی نیازمند نگرش و اقدامات بسیار جدی تری در زمینه حصول شاخص های مطلوب فعالیت است که از آن میان، نسبت کفایت سرمایه از اهمیت به مراتب بیشتری برای سهامداران و سایر سرمایه گذاران بانکی برخوردار است (سپهردوست، 1394). نتایج این پژوهش با پژوهش چن، زو و یوان نیز سازگار است. نتایج پژوهش آنها نشان داد که اجزای ارزش افزوده سرمایه فکری تاثیر مثبتی بر بازدهی دارایی ها در بانکهای چینی دارند. امروزه برای ارزیابی عملکرد بانک ها و موسسات اعتباری از یکسری شاخص های مالی استفاده می شود که نسبت کفایت سرمایه در میان آنها از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا سرمایه رکن مهمی از پشتوانه مالی هر بانک است که به آن اجازه می دهد هنگام رویارویی با مشکلات کلان اقتصادی، توانایی بازپرداخت بدهیهای خود را داشته باشد.

منابع و مراجع

- [1] Bontis, N., Keow, W. C. C. and Richardson, S. (2000). "Intellectual capital and business performance in Malaysian industries". *Journal of Intellectual Capital*, 1 , 85-100
- [2] Chang, S.L. (2007) Val. ing Intellectual Capital and Firms' Performance: Modifying Value Added Intellectual Coefficient in Taiwan ITindustry , PHD thesis, Ageno School of Business, University of Golden Gate, USA.
- [3] Chu, P. Y., Lin, Y.L., Hsiung, H.H., & Liu, T.Y. (2006). *Intellectual Capital: An Empirical Study of ITRI. Technological Forecasting & social change*, 18(73), 889-902.
- [6] Galbraith, J. K. (1969). *The New Industrial State*: Harmondsworth: Penguin.
- [7] Kin Hang Chan, (2009), "An empirical study of companies in the Hang Seng Index, Impact of intellectual capital organisational performance", Vol. 16 No. 1, pp. 4-21 .The current issue and full text archive of this journal is available at [www. Emeraldinsight .com/0969-6474.htm](http://www.Emeraldinsight.com/0969-6474.htm)
- [8] Pulic, A. (2004). *Intellectual Capital e Does It Create or Destroy Value?*
- [9] *Measuring Business Excellence*, 8(1), 62-68.
- [10] Steward, T. (1991). *Intellectual Capital: Brainpower. Fortune*, Volume 37,
- [11] Issue 7, (June 3), 44.
- [12] Zhu, Z., & Xie, H.Y. (2004). *Measuring Intellectual Capital : A New Model*
- [13] . and Empirical Study. *Journal of Intellectual Capital*, 5(1), 195-212.